

کوه ها عماد و نگهبان هم از لحاظ شکل و هم از لحاظ وظیفه

الله متعال می فرماید: "و الجبال أوتادا" (النبا، ۷)

"مگرکوه ها را عماد و نگهبان زمین نساختم" (نبا ۷)

حقیقت علمی:

از کوه ها در گذشته چیزی نشناخته بود جز آنها عبارت است از توده های سنگی بسیار بلند تر از سطح زمین. این معرفی از کوه ها بود تا وقتیکه (ببیر بوجر) در سال ۱۸۳۵م نشأت داد که توان های جذبی که برای سلسه های کوه های اندیز ضبط شد بسیار کمتر از آنستکه پیش بینی شده از توده بزرگ از سنگ ها بدین حجم است پس پیشنهاد کرد که باید يك توده حجیتر فرورفته از همین ماده آن کوه ها هست تا تفسیر بی قاعدگی در قدر جاذبیت تمام الله متعال می فرماید: "و الجبال أوتادا" (النبا، ۷)

"مگرکوه ها را عماد و نگهبان زمین نساختم" (نبا ۷)

حقیقت علمی:

از کوه ها در گذشته چیزی نشناخته بود جز آنها عبارت است از توده های سنگی بسیار بلند تر از سطح زمین. این معرفی از کوه ها بود تا وقتیکه (ببیر بوجر) در سال ۱۸۳۵م نشأت داد که توان های جذبی که برای سلسه های کوه های اندیز ضبط شد بسیار کمتر از آنستکه پیش بینی شده از توده بزرگ از سنگ ها بدین حجم است پس پیشنهاد کرد که باید يك توده حجیتر فرورفته از همین ماده آن کوه ها هست تا تفسیر بی قاعدگی در قدر جاذبیت تمام شود و در نیم سده نوزدهم جرج نشان داد که بی قاعدگی در نتیجه های اندازه گیری جاذبیت کوه های هیمالایا میان دو موضعیت مختلف هست ایفرست نتوانست این پدیده را تفسیر کند سپس آنرا "رمز هند" نام برد. سپس جرج ابری در سال ۱۸۶۵م اعلام کرد که همه سلسله های کوه ها روی سطح کره زمین عبارت از توده های شناری روی سطح دریائی از ماده های گداخته زیر پوست زمین است. و پس این ماده های گداخته با انبوه تر از ماده کوه ها است. از اینرو باید کوه ها در این ماده های گداخته با انبوهی زیاد فروروند تا عمودی آنرا حفظ کنند بدینطور علم زمین شناسی کم کم کشف کرد که پوست زمین عبارت از تکه های همجوار است و بنام تخته ها یا طرف های قاره ای است و کوه های ضخیم روی يك دریا از سنگ های نرمی با انبوهی زیادی که زیر آن واقع است شناسی شود. سپس کوه ها ریشه ها دارد که آنرا ابر شناری کمک کند

و آن تخته ها را ثابت کند تا لرزه نشود و درهم و برهم شود زمین شناس وان انجلین در کتاب خود geomorphology که در سال ۱۹۴۸ م منتشر شد (ص ۲۷) نوشت: حالا دریافته شد که باید هر کوه روی سطح زمین ریشه داشته باشد. پس از لحاظ کار یا نقش کوه ها در ثابت کردن پوست زمین تاکید کرده است. که اساس توازن هیدروستاتی زمین چون زمین شناسی امریکائی داتون سال ۱۸۸۹م گفت: چون مقرر می فرماید که بلندی های کوهی در عمق زمین بقدری هم آهنگی با بلندی آنها فرو می روند پس حقیقت "تخته های زمینی" که سال ۱۹۶۹ م موکد شد چون روشن شد که کوه ها توازن هر تخته از تخته های پوست زمین است

جهت معجزه گری

در وقتیکه انسان حقیقت کوه ها را تا نیم سده نوزدهم نشناخته بود قرآن مجید در این آیه کریمه تاکید کرد که کوه ها مانند میخ ها هم از لحاظ شکل و هم از لحاظ وظیفه است. سپس این تشبیه دقیقی در این اواخر روشن شد باتوجه به آنستکه میخ جزوه نمایان روی سطح زمین و جزوه دیگر فرورفته در

لایه پوست زمین آن آنچه بدان پیوسته است ثابت کند همچنین کوه ها يك جزوه نمایان روی پوست زمین و جزوه دیگر در لایه آن فرورفته و هم آهنگی با بلندی آن دارد و وظیفه کوه ها ثابت کردن تخته های پوست زمین است و آنرا از لرزیدگی در و بر همی بعلت پردهء گذاخته که زیر آن است جلوگیری کند. بدین طور روشن می شود که این کتاب گفتار الله متعال آفریدگار کوه ها و هستی ها است برطبق گفتار الله بزرگوار که می فرماید:

"ألا يعلم من خلق و هو اللطيف الخبير" (الملك، ۱۴) یعنی: "آیا آن خدائیکه خلق را آفریده عالم نیست و حال آنکه او بیاطن امور عالم آگاهست" (سورهء الملك ۱۴)